

طرح دستور زبان شغنائی



تهیه و تدوین توسط حسینی حسنیار شغنائی

ترانتو - کانادا

دوم حمل ۱۳۹۰

فهرست مطالب

3	زبان.....
3	مقوله هاي دستوري جمله، فعل، اسم.....
4	نوم (اسم).....
5	اقسام اسم در زبان شغنائی.....
5	➤ اسم عام يا اسم جنس.....
5	➤ اسم خاص.....
6	اسم مفرد و جمع.....
6	حالات اسم.....
6	حالت فاعلی.....
7	حالت مفعولی.....
9	ضمير.....
10	انواع ضمير.....
10	➤ ضمير شخصی.....
10	➤ ضمير شخصی فاعلی.....
10	➤ ضمير مفعولی.....
11	➤ ضمير ملکی.....
11	➤ ضمير انعکاسی.....
12	➤ ضمير نامعین يا کمی.....
13	➤ ضمير پرسشی.....
13	➤ ضمير اشاره.....
13	➤ ضمير تاکیدی.....

زبان

زبان عموماً در دو نشانه یا بصورت صوتی و یا به صورت نوشتاری تظاهر میکند. زبان اگر در نشانه های صوتی آشکار شود، زبان گفتاری و اگر در نشانه های نوشتاری (خطی) آشکار شود، زبان نوشتاری نامیده می شود. علاوه بر اینها، البته زبان اشارات و حرکات نیز وجود دارد، اما نه آن نشانه های صوتی و واقعییت زبان است و نه این نشانه های خطی؛ بلکه زبان را طرح نظام وارده یا دستگاه ارتباطی پیچیده ای با ساختمان انتزاعی می توان فرض کرد که در گفتار و نوشتار تظاهر می کند و با نوعی رفتار اجتماعی همراه است؛ در نتیجه زبان، پدیده ای پیچیده ای است و از آن رو تعریف منطقی آن بسیار دشوار است. رفتار زبانی به صورت نوعی فعالیت عضوی از انسان صادر می شود. یگانه تعریف تقریباً عامه پسند و ساده را که برای زبان قایل شده اند، عبارت از آن است، که زبان وسیله ایست برای افهام و تفهیم.

برخیها فکر میکنند که "الفبا" یا رسم و خط در یک زبان یکی از ارکان مهم و اساسی محسوب میشود. اما بصورت کل این طرز تفکر نادرست ثابت شده است. الفبا یک رکن از ارکان زبان است، ولی همواره قابل تغییر میباشد. الفبا یک چیز انتخابی است. اشخاص و افراد یا آنهایی که به یک زبان تکلم میکنند هر زمان میتوانند با ذوق و سلیقه خویش الفبا را برای زبانشان انتخاب کنند.

در زبان رکن اساسی قواعد دستوری آن است. دستور زبان عبارت از درستن نوشتن و درست خواندن در زبان است.

مقوله های دستوری جمله، فعل، اسم

جمله یکی از مقوله های دستوری است که ما با آن سخن میگوییم. جمله، مجموعه ای منطقی و نظام یافته از واژه هاست که اندیشه ها، خواسته ها، عواطف و احساسات ما را نشان می دهد. دستور زبان، این روابط منطقی و نظام یافته را بررسی می کند و نشان می دهد که چگونه آنچه ما می خواهیم در قالب جمله بیان کنیم در ساده ترین صورت خود ارتباطی است که میان دو امر برقرار می شود. مثلاً وقتی که می خواهیم میان «عمل رفتن» و «مردی که او را می شناسیم» ارتباطی برقرار سازیم، می گوییم.

دری	شغنانی
مرد رفت	چارک تویید

همچنین وقتی که «عمل شکستن» را به «چینی» نسبت می دهیم، می گوییم:

دری	شغنانی
چینی شکست	چینی قربنت

هر کدام از اینها يك جمله است. در این جمله ها عمل اسناد یا نسبت به جزئی انجام می گیرد که در آخر جمله جای دارد و نسبت به کسی یا چیزی داده شده که در آغاز جمله جای دارد. بیشترین جمله های شغنانی در ساده ترین صورت خود، چنین حالت دارند:

دری	شغنانی
مرد رفت	چارک توید
چینی شکست	چینی قربنت
زردآلو پخت (رسید)	ناش پیخت
آب میرود	بنخ تیزد
آتش روشن شد	یاخ پد
دزد محکوم شد	دزد بند ست

در اینجا در هر یک از جمله ها دو دسته واژه وجود دارد: واژه هایی که در آغاز جمله قرار دارند و نسبتی به آنها داده شده (چارک، چینی، ناش، بنخ، یاخ ات دزد)؛ و واژه هایی که به دسته ی نخستین، نسبت داده شده اند (توید، قربنت، پیخت، تیزد، پند ات بند). در اینجا دو مقوله از مقوله های دستور زبان به دست می آید: کلمه که در محل اسناد (نسبت) است (توید، قربنت، پیخت، تیزد، پند ات بند)، فعل نامیده می شود و کلمه ای که بدان اسناد می دهیم، یعنی مسندالیه (چارک، چینی، ناش، بنخ، یاخ ات دزد) اسم نام دارد.

نوم (اسم)

اسم کلمه ایست که برای نام بردن کسی و یا چیزی بکار میرود.

اسم، کلمه ای است که بدون اینکه جانشین کلمه دیگری شود مورد اسناد قرار می گیرد و مسندالیه واقع می شود، یعنی چیزی به او نسبت داده می شود.

اقسام اسم در زبان شغنائی

اقسام اسم در تمام زبانها تقریبا یکسان است.

➤ اسم عام یا اسم جنس

اسم عام یا اسم جنس ، آن اسمی است که بین افراد همجنس و مشترک باشد و بر هر یک از آنها دلالت کند :

شغنائی	دری
چارک	مرد
غیزه	پسر
قارج	اسپ
چید	خانه
وابن	گیاه (علف)

➤ اسم خاص

اسم خاص اسمی است که بر فردی مخصوص و معین دلالت می کند :

شغنائی	دری
حسن	حسن
فیروزه	فیروزه
بهرام	بهرام
گلماه	گلماه
بهینار	بهشار
آمو (دریا)	آمو (دریا)
بنيوه	شيوه (نام محل)
ربنئون	روشان (نام محل)
وياد	وير (نام محل)

در زبان شغنانی اسم خاص در هیچ حالت بدون استثنا جمع بسته نمی شود. اما این حالت در دری در موارد استثنایی جمع بسته میشود. مثلا ادبیات پر بار دری برکت زحمات فردوسی ها، رودکی ها و ... میباشد.

اسم مفرد و جمع

مفرد ، آن اسمی است که بر یکی دلالت کند :

دری	شغنانی
غیزه	پسر
چارک	مرد
ژاو	گاو (ماده)
باغ	باغ
قارج	اسپ

جمع ، آن اسمی است که بر دو یا بیشتر دلالت کند :

شغنانی	دری
غیزهین	پسران
چارکین	مردان
ژاوین	گاوها
باغین	باغها
قارجین	اسپها

علامت جمع در زبان شغنانی ، " ین " یا " بین/ئین " است که به آخر کلمات اضافه می شود . در جمع بستن زبان شغنانی استثنا ندارد. در دری بدو صورت " ها" و " ان" جمع بسته میشود.

حالات اسم

اسم چهار حالت دارد : فاعلی ، مفعولی ، اضافه ، ندا

حالت فاعلی ، یا اسنادی ، آن اسمی است که فاعل یا مسند الیه واقع شود و فاعل کلمه ای است که عمل یا صفتی را به وی نسبت دهیم یا سلب کنیم:

دری	شغنائی
هوا گرم است	هوا گرم (1)
یوسف آمد	یوسف یت
ناصر رفت	ناصر توید
سلیم نیامد	سلیم نه یت

فاعل در جواب "چهی" یعنی "کی" یا "چیز" یعنی "چه" واقع می شود :

دری	شغنائی
علی آمد / کی آمد؟ / علی	علی یت / چهی یت؟ / علی
سلیم رفت / کی رفت؟ / سلیم	سلیم توید / چهی توید؟ / سلیم
افتاب بر آمد / چه بر آمد؟ / افتاب	خیر نبتوید / چیز نبتوید؟ / خیر

حالت مفعولی ، آن اسمی است که مفعول یا متمم واقع شود و مفعول یا متمم ، آن است که معنی فعل را تمام کند .
مثلا اگر بگوییم :

دری	شغنائی
سلیم آورد. معلوم نیست که سلیم چه را آورد. اگر گفته شود که کتاب را آورد، آنگاه فعل تکمیل است.	سلیم فودی. نویزوم ادی سلیم چیزی فودی. آگه خه لوفین سلیم کتاب فودی، فعل معنا ته مس پوره سود.

مفعول بر دو قسم است : بی واسطه ، با واسطه.
مفعول بی واسطه یا مستقیم ، آن است که معنی فعل را بی واسطه ی حرفی از حروف (اضافه)

تمام کند : قبل از اینکه به این بحث پرداخته شود، باید گفت که در زبان شغنائی " ی " و " م " که بجای را در دری استعمال میشود خود یک حرف اضافه محسوب میشوند. مثلا

شغنائی	دری
سلیم کتابی فُود	سلیم کتاب را آورد
یوسف بنهخی تیس چود	یوسف آب را ریخت
غیذه خو کاری تیار چود	پسر کار خود را تمام کرد

مفعول بی واسطه غالبا در جواب " چهی " یعنی کی را ، یا " چیزی " یعنی چه را واقع می شود :

علامت مفعول بی واسطه غالبا " ی " و " م " است :

شغنائی	دری
چیدم زابنت	خانه را خریدم
درسی تیار چود	درس را تمام کرد

در جایی که چند مفعول بی واسطه ، به طریق عطف ، به دنبال هم می آیند ، علامت مفعول بی واسطه ، به آخر مفعول آخر ، اضافه می شود و در سایر مفعول ها حذف می شود :
 یو خو تهت ات خو نهنی ژیوج. او پدر و مادر خود را دوست دارد.

درست	یو خو تهت ات خو نهنی ژیوج
نادرست	یو خو تهتی ات خو نهنی ژیوج

مفعول با واسطه یا غیر مستقیم ، آن است که معنی فعل را با واسطه ی حرفی از حروف اضافه تمام کند :

از بدان بپرهیز و با نیکان درآمیز. مردمان را به زبان ، زیان مرسان.
مفعول با واسطه در جواب کلمات دخل جدول می آید.

دری	شغنانی
از کی	چیند
به کی	چیرد
به کجا	ترکه
از کجا	اس که
برای کی	چیرد
با کی	چه قهتی

ضمیر

ضمیر کلمه ایست که برای پرهیز از تکرار اسم جای اسم را می گیرد. چون ضمیر جانشین اسم است، بنا تمام نقشهای را که اسم میتواند بازی کند، ضمیر نیز آنها را بر عهده میگیرد.

دری		شغنانی	
ضمیر	اسم	ضمیر	اسم
او	سلیم	یو	سلیم
او	رعنا	یه	رعنا
آن	خورشید/ آفتاب	یو	خیر
آن	ماه/ مهتاب	یه	مهست
آن	درخت	یه	درخت
آن	درخت	یه	دریا
آن	کوه	یو	کو
آن	برف	یو	ژینیج

انواع ضمیر

ضمایر زبان شغنائی را میتوان به شش گروه تقسیم کرد:

1. ضمیر شخصی
2. ضمیر انعکاسی
3. ضمیر تأکیدی
4. ضمیر کمیت
5. ضمیر اشاره
6. ضمیر پرسشی

➤ ضمیر شخصی

ضمیر شخصی به سه صورت در پدیدار میشود:

فاعلی، مفعولی و ملکی

➤ ضمیر شخصی فاعلی

این ضمیرها جای فاعل را میگیرند و ازین قرار اند:

شغنائی	دری
وز / اوز (ii2)	من
مهش	ما
تو	تو
ئمه	شما
یه	او (برای مونث)
یو	او (برای مذکر)
وهذ	آنها

➤ ضمیر مفعولی

ضمیر مفعولی بصورت مفعول جمله پدیدار میشوند و ازین قرار اند:

شغنائی	دری
مورد	به من

تورد	به تو
مهشرد	به ما
تمرد	به شما
ورد	به او (مذکر)
ومرد	به او (مؤنث)
وڤرد	به آنها

➤ ضمیر ملکی

ضمیرهای ملکی نماینگر ملکیت میباشند و ازین قرار اند:

شغنانی	دری
موند	از من / مال من
مهشند	از ما / مال ما
توند	از تو / مال تو
تمند	از شما / مال شما
ویند	از او / مال او (مذکر)
ومند	از او / مال او (مؤنث)

➤ ضمیر انعکاسی

این ضمیر وقتی بکار میرود که فاعل و مفعول جمله یکی باشد، مثلا:

دری	شغنانی
کودک با خود بازی میکند	کودک خو قتی بازی کبنت
خودم بخود ضرر کردم	خوبثوم خورد ضرر چود

صورت کال این ضمائر در زبان شغنانی اینگونه است:

دری	شغنانی
خودم	خوبثوم
خودت (برای دوم شخص. مذکر و مؤنث)	خوبثت
خودتان	خوبثیت
خودشان	خوبثین
خودما	خوبثهم

➤ ضمیر نامعین یا کمی

این ضمیرها معمولا درج، کمیت و میزان اشیا را نشان میدهند. ازین رو آنها را ضمیرهای کمی میگویند. گروه دیگر از زبان شناسان آنها را ضمیرهای نامعین گفته اند، چون میزان یا درجه را بصورت دقیق نشان نمیدهند، مثلا:

دری	شغنانی
امروز ده نفر نیستند	نورین ذیس نفر نیست
امروز خیلی نیامده اند	نورین لپ نه یثچ
چند تا دیروز نبودند	بی لهقین بیار نقد

➤ ضمیر پرسشی

این گروه از ضمیرها در باره اسم پرسش میکنند، و بدین طریق جانشین اسم میشوند:

شغنانی	دری
سلیم دیر یت	سلیم دیر یت
چهی دیر یت؟	کی دیر آمد؟
فارج تیز ژازد	اسپ سریع میرود
چیز تیز تیزد؟	چه چیز سریع میورد؟

➤ ضمیر اشاره

این گروه از ضمیرها در زبان شغنانی به دور و به نزدیک اشاره میکنند:

شغنانی	دری
یم	این
مهد	اینها
وهذ	آنها

➤ ضمیر تأکیدی

صورت این ضمیر در زبان شغنانی مشابه ضمیر انعکاسی است، ولی کاربرد متفاوت دارد.

شغنانی	دری
اوزوم خوبث دزد وینت	من خودم دزد را دیدم
ایدت تو خوبث قود	این خود شما بودید
یو خوبث وی قیود	او خودش او را خبر کرد

1 - در زبان شغنانی بدون اضافه کردن "است"، میتوان تشخیص داد که مراد از گرمی هوا در حال حاضر است.
2 - این کلمه بدو قسم تلفظ میشود، "اوز" و "وز".